

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

نویسنده: سمیرا قنبر نژاد
فرستنده: علی کاظمی- ایران
۰۳ نومبر ۲۰۱۸

بازار کساد پوشاک و کارگران دوزنده‌ای که میان فاکتورهای کارفرما و فروشندگان له می‌شوند

تأثیرات منفی اقتصاد ورشکسته و رو به زوال ایران دامن بازار پوشاک را هم در امان نگذاشته است. در این آشفتگی بازاری که کارفرمایان از یک سو و فروشندگان از سوی دیگر به دنبال سود حداکثری هستند، کارگران دوزنده، اما، سهمشان تنها دستمزد کمتر، هزینه‌های بیشتر، و در نهایت، فشار چندین برابر زندگی است.

با افزایش نرخ ارز، وارد کنندگان بر قیمت پارچه‌های وارداتی خود – که به دلیل گرانی بیش از اندازه پارچه‌های جاپانی و ترک عمدتاً پارچه‌های بی‌کیفیت چینی و اندونزیایی هستند – افزوده‌اند. تولیدکنندگان به طور متوسط ۲۰ درصد پارچه‌های مورد نیاز خود را گران‌تر از قبل می‌خرند و این افزایش قیمت را به همراه افزایش دیگر هزینه‌های تولید، به قیمت تمام شده پوشاک و فاکتور نهایی که برای فروشنده می‌فرستند اضافه می‌کنند. از سوی دیگر، فروشندگان نیز برای حصول سود حداکثری، افزایش قیمتی چندین برابر سود همیشگی‌شان به برچسب قیمت لباس‌ها و فاکتورهای فروش تحمیل می‌کنند. علی‌رغم تمام این افزایش‌ها، سوی دیگر این معادله دستمزد کارگران است که در بهترین حالت بدون تغییر باقی مانده است.

از آنجایی که این تولیدات پوشاک با کیفیت متوسط و بعضاً پائین برای اقشار به لحاظ اقتصادی متوسط و ضعیف هستند و محصولات گران قیمت مزون‌ها و فروشگاه‌های لوکس نیستند که همواره مشتری‌های خاص خود را دارند، خریدشان در این وضعیت بحران اقتصادی دیگر در توان اقشار متوسط و کم درآمد جامعه نیست. بر همین اساس، بخش زیادی از این پوشاک به عنوان مرجوعی از فروشگاه برای تولیدکننده بازپس فرستاده می‌شود. اتفاقی که در پی آن می‌افتد این است که تولید کننده برای کاهش این زیان و جبران خسارات ناشی از مرجوع شدن کالاها، تولیدش را کاهش می‌دهد. به دلیل آن که میزان دستمزد کارگران دوزنده بر مبنای تعداد دوخت محاسبه می‌شود، در پی این کاهش تولید، درآمد کارگران نیز به نصف کاهش یافته است. همه این‌ها در حالیست که هزینه‌های زندگی کارگران نیز در این وضعیت ورشکستگی اقتصادی و تورم فزاینده چندین برابر شده است و کارگران دیگر قادر به برآوردن نیازهای اساسی زندگی خود و خانواده‌هایشان نیستند. از طرفی با وجود خیل عظیم ارتش ذخیره کار، اعتراضی هم نمی‌توانند بکنند زیرا هرگونه اعتراضی مساویست با بیکاری و از دست دادن همان حداقل دستمزد.

تمام این معضلات ناشی از ورشکستگی اقتصادی شامل حال کارگرانی که ابزار ابتدائی تولید را در اختیار دارند نیز می‌شود. زیرا در این صنف به طور سنتی این گونه ابزارها مانند انواع سوزن، انواع تیغ و قیچی، روغن چرخ، هزینه تعمیر دستگاه‌ها و هزینه خرید نخ، که از دوکی ۲۵۰۰ تومان به ۱۰۰۰۰ تومان افزایش یافته است، بر عهده خود کارگر است. همچنین پیش‌پرداخت‌ها از ۷۰ درصد به ۵۰ درصد، با چک‌های طولانی مدت، تنزل کرده است.

به منظور جبران کاهش حقوق ماهانه، کارگران ناچارند مدت روزانه کارشان را - که به طور معمول دوازده ساعت در روز است - افزایش دهند، در روزهای تعطیل هم کار کنند، و نیز از چندین تولیدکننده سفارش کار بگیرند. البته این سعادت بیکاری نصیب هر کارگری هم نمی‌شود؛ آنقدر قیمت تمام شده پوشاک زیاد شده است که فروشندگان برای جلب مشتری تنها به دنبال تولیدات بسیار خوش‌دوخت هستند. از این رو، کارفرمایان ترجیح می‌دهند کل حجم تولید را به دستان ماهر کارگران باتجربه بسپارند و کارگران غیرماهر به کناری گذاشته می‌شوند. در ماه‌های اخیر، برخی از کارفرمایان با سوءاستفاده از بیکاری فراگیر و عجز کارگران، پالتوها و دیگر پوشاک پرکار و سنگین متعلق به فصول سرد سال را، که معمولاً دستمزد بیشتری دارند، با دستمزد دوخت بسیار کمتر به دوزندگان سفارش دوخت می‌دهند و مطمئن هستند کارگرانی که به دلیل کاهش حجم تولید و سفارش دوخت ساعات زیادی را بیکار شده‌اند، مجبوراند برای تأمین معاش خود و خانواده‌هایشان آن را بپذیرند.

کارگاه‌های دوزندگی عمدتاً در جنوب تهران، شهرری، عبدل آباد، چهاردانگه (بیشتر شلوار جین دوزها)، افسریه، مولوی و ورامین واقع اند. ۷۰ درصد کارگران افغان هستند و سنشان از ۱۵ سال به بالاست. کارگران کوچکتر برای پادوی و کارهای جانبی مانند اتوکنشی به استخدام در می‌آیند. تولیدات این کارگاه‌ها در نقاط مختلف تهران از بازار بزرگ و میدان هفت تیر تا خیابان پیروزی و میدان امام حسین به فروش می‌رسند. شایان ذکر است که این کارگاه‌ها، کارگاه‌هایی شناخته شده در سطح تهران هستند و ممکن است حداقل‌هایی از نظارت و قانون کار در آن‌ها رعایت شود. کارگاه‌های زیرزمینی و غیرقانونی نیز وجود دارند که در برخی از آن‌ها پوشاک با کیفیت نازل برای شهرستان‌ها تولید می‌شود. در این کارگاه‌ها است که با پدیده کودکان کار، سوءاستفاده از کودکان کم سن و وفور نقض قانون در مورد آن‌ها مواجه هستیم.

سوءمدیریت در حوزه اقتصاد، که بحران اقتصادی حال حاضر را به وجود آورده، بر تمام کسب و کارها تأثیرات منفی خود را گذاشته است. در این میان، اما، کارگران، که پیش از این هم حداقل دستمزدشان چندین برابر زیر خط فقر بود، به دلیل تورم افسار گسیخته و افزایش اجاره‌بها بیشترین آسیب را می‌بینند و وضعیت زندگیشان مانند وضعیت اقتصادی کشور به حالت بحرانی درآمده است. کارگرانی که در گرگ و میش صبح وارد زیرزمین کارگاه می‌شوند و در تاریکی غروب با ستون فقراتی دردناک از ساعت‌ها پشت چرخ نشستن و چشمانی ضعیف از ریزمکاری‌های خیاطی از زیر زمین بیرون می‌آیند و فردا روز از نو، ولی روزی همان کهنه ناکارآمد همیشگی. آفتاب هم از این کارگران دریغ شده است و حتی قادر به خرید پوشاکی که خود می‌دوزند نیستند و هنر دستانشان سرمست از گرمای نور خورشید در پشت ویترین فروشگاه‌های میدان هفت تیر به آنان فخر می‌فروشد.

<http://www.kanoonm.com/3160>